

تحلیل روایات «شهود معصومان وفات یافته، در خواب»

سید علی اصغر موسوی اطهر (پیشکش)^۱

چکیده

روایات متعدّد و معتبر، گویای وقوع شهود معصومان وفات یافته، در حالت خواب است. گاهی شاهدان، از خود معصومان هستند و گاهی از غیر معصومان؛ اعم از نیکان و بدان. تعدادی از روایات، حکایت‌گر راهکار دیدار نبی مکرم ﷺ یا یکی از معصومان و یا یکی از وفات‌یافتگان است. این روایات به همراه روایات مؤکّد حقیقی بودن دیدار معصومان در خواب، شواهد خوبی برای اثبات امکان شهود معصومان وفات یافته است. کیفیت شهود در خواب، از مسائلی است که اندیشمندان اسلامی را به تحلیل وادار کرده و فرضیه‌هایی را مطرح کرده‌اند. مقاله حاضر به گزارش و تحلیل این روایات می‌پردازد. ارائه ادلّه و شواهد روایی با نظم و تحلیلی نو و موجز، از نوآوری‌های این پژوهش توصیفی - تحلیلی است.

واژگان کلیدی

دیدار با مردگان، رؤیا، خواب دیدن معصومان، کلام نقلی، معارف قرآن و حدیث

پیشگفتار

گزارش‌های شهود معصومان وفات یافته در حالت خواب، فراوان و متنوع است. گزارش‌گران نیز از حیث تعداد، فراوان و از حیث جایگاه دینی، متنوعند. از بین مؤمنان وارسته تا جنایت‌کاران، گزارش‌گر چنین شهودی بوده‌اند. پرسش‌های بنیادین این پژوهش چنین است: آیا شهود معصومان وفات یافته، در حالت خواب، امکان ذاتی دارد؟ امکان وقوعی چطور؟ کیفیت مشاهده چگونه است؟ آیا بین مشاهده در بیداری و مشاهده در حالت خواب سنخیت است؟ روشن است که با اثبات امکان وقوعی این حقیقت در خارج، امکان ذاتی^۲ آن نیز ثابت می‌شود.

۱. مدرّس علوم حدیث و سطوح عالی حوزه، mosaviathar@chmail.ir

۲. به معنای میسر بودن بر اساس قوانین تکوینی و تشریحی.

دو گروه از مشاهده‌کنندگان عبارتند از: پیشوایان معصوم؛ مثلاً امام حسین علیه السلام، حضرت عیسی علیه السلام را در خواب دیده و با ایشان گفت‌وگو می‌کنند. دوم، افراد عادی، اعم از صالح و غیر صالح. گاهی یکی از معصومان، شهود شخص غیر معصوم را تایید کرده است. برخی از روایات که در این مقاله بازتاب دارند، در مقام شواهد امکان وقوعی شهود در حالت خواب، رخ‌نمایی می‌کنند؛ مانند: روایات مبین راهکار دیدار نبی مکرم صلی الله علیه و آله در خواب، روایات مبین راهکار دیدار یکی از معصومان در خواب، روایات مبین راهکار دیدار یکی از وفات‌یافتگان در خواب و روایات مؤکد حقیقی بودن دیدار معصوم در خواب.

کیفیت شهود وفات‌یافتگان معصوم در خواب نیز ذهن اندیشمندان اسلامی را به خود مشغول کرده است. برخی از آنها اصل شهود در خواب را به تاویل برده‌اند و فقدان ابزار مشاهده، یعنی چشم، در حالت خواب را دلیل آن شمرده‌اند. برخی دیگر، طرفدار همانندی دیدار در دو حالت بیداری و خواب بوده و معتقدند که با هر ویژگی‌ای که معصومان در حالت بیداری مشاهده می‌شوند، با همان ویژگی در حالت خواب نیز قابل مشاهده‌اند.

کثرت گزارش‌های متنوع درباره شهود یکی از معصومان وفات‌یافته و تنوع گزارش‌گران و اقبالی که برخی از اندیشمندان فریقین درباره کیفیت چنین شهودی، نشان داده‌اند، موضوع حاضر را به یکی از پژوهش‌های جذاب تبدیل کرده است؛ موضوعی که پژوهشی مستقل درباره آن یافت نشد.

سه گام اساسی برداشته شده در این پژوهش، با الهام از پایان‌نامه «تحلیل روایات امکان مشاهده معصومان علیهم السلام پس از رحلت آنان»^۳ و با ترکیب داده‌پردازی‌های تحلیلی، انتقادی، توصیفی و تولیدی با روش پژوهشی نقلی - وحیانی و برهانی - عقلی با منابع کتاب‌خانه‌ای، بدین صورت است: ابتدا ادله شهود معصومان وفات‌یافته، در حالت خواب، تبیین می‌شود. سپس، شواهد آن مطرح می‌گردد و آنگاه، کیفیت این شهود مورد بحث قرار می‌گیرد.

گام یکم: ادله شهود معصومان در حالت خواب

شمار قابل توجهی از روایات در منابع معتبر، حکایت‌گر دیده‌شدن پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر معصومان علیهم السلام در خواب، توسط معصوم حی و یا افرادی است که هرگز ایشان را ندیده‌اند؛ مانند:

۳. نوشته نگارنده با اشراف استادان معظّم، دکتر علی نصیری (راهنما) و دکتر محمود احمدی میانجی (مشاور).

۱. گفت و شنود امام حسین علیه السلام با حضرت عیسی علیه السلام

«شیخ طوسی» به نقل از «ابوعلی» از امام عسکری علیه السلام روایت کرده که حضرت زهراء علیها السلام هنگام شهادت، نگین عقیقی به امام حسن علیه السلام دادند و ایشان نیز هنگام شهادت، آن را به امام حسین علیه السلام دادند. امام حسین علیه السلام فرمودند:

... فَرَأَيْتُ فِي النَّوْمِ الْمَسِيحَ عَيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ ... فَقُلْتُ لَهُ: يَا رُوحَ اللَّهِ مَا أَنْقَشَ عَلَيَّ خَاتَمِي هَذَا؟ قَالَ: أَنْقَشَ عَلَيْهِ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ» فَإِنَّهُ أَوَّلُ التَّوْرَةِ وَآخِرُ الْإِنْجِيلِ.^۴

دوست داشتم بر آن نگین، عبارتی حک کنم. حضرت عیسی علیه السلام را در خواب دیدم. به او گفتم: ... روی نگین چه عبارتی حک کنم؟ فرمود: ...

۲. گفت و شنود امام صادق علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

«شیخ طوسی» به سندش از «ربیع» روایت کرده که از امام صادق علیه السلام سرانصراف منصور دوانیقی از قتل ایشان را پرسید، حضرت فرمودند:

... يَا رَبِيعُ، إِنِّي رَأَيْتُ الْبَارِحَةَ رَسُولَ اللَّهِ فِي النَّوْمِ فَقَالَ لِي: يَا جَعْفَرُ ... إِذَا وَقَعَتْ عَيْنُكَ عَلَيْهِ فَقُلْ: ...^۵

دیشب پیامبر را در خواب دیدم. به من فرمودند: هنگامی که چشمت به منصور افتاد [این ذکر را] بگو: ...

۳. گفت و شنود امام کاظم علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

«شیخ صدوق» به سندش از «فضل بن ربیع» روایت کرده که امام کاظم علیه السلام به او فرمود:

۴. الغيبة (شیخ طوسی)، ص ۲۹۷.
 ۵. الامالی (شیخ طوسی)، ص ۴۶۱: «... بِسْمِ اللَّهِ اسْتَفْتِحْ، وَبِسْمِ اللَّهِ اسْتَنْجِحْ، وَبِمُحَمَّدٍ آتَوَجَّهُ، اللَّهُمَّ ذَلِّ لِي صُعُوبَةَ أَمْرِي وَكُلَّ صُعُوبَةٍ، وَسَهِّلْ لِي خُرُونَةَ أَمْرِي وَكُلَّ خُرُونَةٍ، وَ أَكْفِنِي مَوْوَنَةَ أَمْرِي وَكُلَّ مَوْوَنَةٍ.»

... رَأَيْتُ النَّبِيَّ لَيْلَةَ الْأَرْبَعَاءِ فِي النَّوْمِ فَقَالَ لِي: ... فَقُلْتُ: ...

فَكَرَّرَ عَلَيَّ ذَلِكَ ثَلَاثًا، ثُمَّ قَالَ: ... ٦.

شب چهارشنبه پیامبر ﷺ را در خواب دیدم. از من پرسیدند: ... پاسخ دادم: ... پرسش و پاسخ سه بار تکرار شد و سپس فرمودند: ...

٤. گفت و شنود امام رضا علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله

«شیخ کلینی» به سند صحیح از «یاسر»، خادم امام رضا علیه السلام روایت کرده که آن حضرت در پاسخ به اصرار مأمون که میل داشت با ایشان به حمام برود نوشتند:

كَسْتُ بِدَاخِلِ غَدَا الْحَمَامِ، فَإِنِّي رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي النَّوْمِ، فَقَالَ لِي: يَا عَلِيُّ لَا تَدْخُلِ الْحَمَامَ غَدًا. وَلَا أَرَى لَكَ وَلَا لِلْفَضْلِ أَنْ تَدْخُلَا الْحَمَامَ غَدًا. ٧.

من فردا حمام نمی‌روم زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله را در همین شب به خواب دیدم که به من فرمودند: یا علی فردا به حمام نرو. پس برای تو و «فضل» نیز صلاح نمی‌دانم حمام بروید.

٥. گفت و شنود «حنان بن سدير» با پیامبر صلی الله علیه و آله

«حنان بن سدير» صحابی امام صادق و امام کاظم علیهما السلام می‌گوید:

نبی مکرم صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم. پیش روی حضرت، ظرف خرمایی بود. ایشان شروع به خوردن خرما کردند. خواستم تا از خرما به من نیز بدهند. هشت دانه به من عطا فرمودند. همه را خوردم و یکی دیگر خواستم، فرمودند: بس است. بیدار شدم؛ صبح خدمت امام صادق علیه السلام رفتم و سلام کردم. پیش روی حضرت، ظرف خرمایی بود. حضرت شروع به خوردن خرما کردند. خواستم تا از خرما به من نیز بدهند. هشت دانه به من عطا فرمودند. همه را خوردم و یکی دیگر خواستم، فرمودند: لَوْ زَادَكَ جَدِّي ... اگر جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله به تو بیشتر داده بود، من نیز زیادتر می‌دادم ... ٨.

٦. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ١، ص ٧٣ - ٧٥، ح ٤؛ الاختصاص، ص ٥٩؛ مصباح المتهجد، ج ١، ص ٤٢٤.

٧. الکافی، ج ١، ص ٤٩٠، ح ٨؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ٢، ص ١٦٣.

٨. الامالی (شیخ مفید)، ص ٣٣٦. مسعودی (٣٤٦ق) در اثبات الوصیة، ص ٢١٢ و شیخ صدوق در عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ٢، ص ٢١٠ و طبری آملی در دلائل الامامة، ص ٣٦٨ و فضل طبرسی (٥٤٨ق) در اعلام الوری، ج ٢، ص ٥٤ و محدثان دیگر (الخراج و الجرائح،

۶. تأیید دیدار پیامبر ﷺ در خواب، توسط امام رضا ﷺ

یک موثقه «ابن فضال»: شخصی به امام رضا ﷺ عرض کرد:

... رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ فِي الْمَنَامِ ...^۹

... من رسول خدا ﷺ را در خواب دیدم ...

در ادامه امام رضا ﷺ گفتار او را تأیید کردند.

دو. «راوندی» و «علی اربلی» از «وشاء» روایت کرده‌اند که عقبی او را گزید. وی فریاد زد: «یا رسول الله» کسی که صدایش می‌شنید این فریاد را بی‌جا دانست و تعجب کرد. امام رضا ﷺ به آن شخص فرمودند:

مَهْ! فَوَ اللَّهِ لَقَدْ رَأَى رَسُولَ اللَّهِ.

چیزی نگو! به خدا سوگند که او پیامبر خدا ﷺ را دیده است.

«وشاء» گفت:

من در خواب، نبی مکرم ﷺ را دیده بودم؛ ولی به کسی نگفته بودم.^{۱۰}

گویا وی به خاطر آن که پیامبر ﷺ را در خواب دیده بود، هنگام گزیدن عقب، ایشان را صدا زد و امام رضا ﷺ نیز این خواب را تأیید کردند.

۷. دیدار پیامبر ﷺ و حضرت علی ﷺ، توسط امّ داوود و منصور دوانیقی

در فرازی از حدیث «امّ داوود» که به چندین سند ذکر شده، حکایت رؤیای نبی مکرم ﷺ توسط او آمده است. همچنین از امام صادق ﷺ نیز روایت شده:

... إِنَّ أَبَا الدَّوَانِيقِ رَأَى فِي النَّوْمِ عَلِيًّا ...^{۱۱}

«منصور دوانیقی» حضرت علی ﷺ را در خواب دید که به او فرمودند:

فرزندم - یعنی پسر امّ داوود - را آزاد کن!

۱. ج ۱، ص ۴۱۲؛ کشف الغمّة، ج ۲، ص ۳۱۴ (...) به سندشان از «ابی حبيب التّباچي» شبیه این واقعه را روایت کرده‌اند؛ با این تفاوت که تعداد خرماها دوازده عدد بوده و امام رضا ﷺ نیز فرمودند: «لَوْ زَادَكَ رَسُولُ اللَّهِ لَزِدْنَاكَ». عاملی نباطی (۸۷۷ق) نیز در کتاب الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۰۴ از احمد بن عیسی، شبیه این دو حدیث را از امام هادی ﷺ با بیست و پنج خرما روایت کرده است.

۹. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۴، ح ۳۱۹۱.

۱۰. الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۳۶۴؛ کشف الغمّة، ج ۲، ص ۳۰۵. «قال: وَ قَدْ كُنْتُ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ فِي النَّوْمِ وَ لَا وَ اللَّهِ مَا كُنْتُ أَخْبَرْتُ بِهِ أَحَدًا.»

۱۱. فضائل الا شهر الثلاثة، ص ۳۳.

۸. دیدار حضرت علی علیه السلام، توسط «مهدی عباسی»

«علی اربلی» به سندش روایت کرده که «مهدی عباسی» پس از آزادکردن امام کاظم علیه السلام از حبس به ایشان عرض کرد:

يا ابا الحسن، رأيت أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام في النوم ... ۱۲

بنا بر این روایت و حدیث پیشین، دیدار معصومان علیهم السلام در خواب، ویژه مؤمنان نیست.

گاهی برخی اشخاص، یکی از معصومان علیهم السلام را در زمان حیاتشان در خواب دیده و حکایت آن خواب را به همان معصوم عرضه کرده و تأیید شده است؛ مانند روایت «راوندی» در «الدعوات» از «ابوبکر بن عیاش»^{۱۳} و در «الخراج و الجرائح» از «ابن فرات»^{۱۴}.

گاهی برخی دیگر از افرادی که معصومان علیهم السلام را در خواب دیده بودند، حتی زمان حیات ایشان را درک نکرده بودند. نکته پر اهمیت آن که این رؤیایا پس از عرضه به معصوم تأیید شده‌اند. بنا بر این، دیدار، در زمان کنونی نیز امکان‌پذیر است.

گام دوم: شواهد شهود معصومان در حالت خواب

برخی از روایات در منابع شیعه، راه دیدار معصوم علیه السلام را بیان می‌کند؛ نمونه‌ای از این احادیث که شواهدی شایسته برای حقیقت وقوع دیدار هستند، ذیل چهار عنوان ذیل ارایه می‌شود:

۱. روایات مبین راهکار دیدار نبی مکرم صلی الله علیه و آله در خواب

گروهی از روایات، بیان‌گر راهکار مشاهده شخص پیامبر صلی الله علیه و آله در خواب است. این روایات، مطلق بوده و شامل بعد از وفات حضرت نیز می‌شود؛ مانند:

یک. «سید ابن طاووس» (۶۶۴ق) به سندش از «سهل بن صقیر» روایت کرد که از امام صادق علیه السلام

شنید:

۱۲. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۲۱۳.

۱۳. کن الدعوات، ص ۲۳۹ - ۲۴۰، ح ۶۷۱: «كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَجَاءَهُ رَجُلٌ، فَقَالَ: رَأَيْتُكَ فِي النَّوْمِ كَأَنِّي أَقُولُ لَكَ: كَمْ بَقِيَ مِنِّي أَجَلِي؟ فَقُلْتَ لِي بِيَدِكَ هَكَذَا وَ أَوْمَأْتَ إِلَى خَمْسٍ وَ قَدْ شَغَلَ ذَلِكَ قَلْبِي. فَقَالَ عليه السلام: إِنَّكَ سَأَلْتَنِي عَنْ شَيْءٍ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هِيَ [خَمْسٌ] تَفَرَّدَ اللَّهُ بِهَا ...»

۱۴. کن ج ۱، ص ۴۴۱: «رَأَيْتُ أَبَا مُحَمَّدٍ عليه السلام فِي النَّوْمِ ...»

هر کسی می‌خواهد رسول خدا ﷺ را در خواب ببیند، پس از نماز عشا، پاکیزه غسل کند و چهار رکعت نماز به‌جا آورد که در هر رکعت صد بار آیه الکرسی بخواند. آن‌گاه هزار بار بر پیامبر و آتش ﷺ درود بفرستد و در رخت خواب پاکیزه‌ای بخوابد که در آن هیچ آمیزشی، چه حلال و چه حرام، صورت نگرفته باشد. دست راستش را زیر گونه راستش بگذارد و صد بار بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.» و صد بار بگوید «ما شاء الله» و بخوابد؛ در این صورت رسول خدا ﷺ را در خواب می‌بیند.^{۱۵}

دو. «سید»، به صورت مرفوع از امیر مؤمنان علیه السلام دعایی را روایت کرده که جبرئیل علیه السلام آن را به نبی مکرم صلی الله علیه و آله آموزش داده است. جبرئیل علیه السلام ضمن بیان ثواب بسیار این دعا که موجب تعجب پیامبر صلی الله علیه و آله شد به ایشان عرض کرد:

... هر کسی این دعا (دعای صحیفه) را با وضو پنج بار بخواند، حتماً تو را در خواب خواهد دید.^{۱۶}

بنا بر این روایات، ارتباط و دیدار با پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از وفاتشان ممکن است.

۲. روایات مبین راهکار دیدار یکی از معصومان علیهم السلام در خواب

«شیخ مفید» به سندش از «أبی المَعْرَاء» روایت کرده که او از موسی بن جعفر علیه السلام شنید:

مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ وَ أَرَادَ أَنْ يَرَانَا وَ أَنْ يَعْرِفَ مَوْضِعَهُ مِنْ اللَّهِ فَلْيَغْتَسِلْ ثَلَاثَ لَيَالٍ يُنَاجِي بِنَا^{۱۷} فَإِنَّهُ يَرَانَا وَ يُغْفِرُ لَهُ بِنَا وَ لَا يَحْفَى عَلَيْهِ مَوْضِعُهُ ...^{۱۸}

۱۵. فلاح السائل، ص ۲۸۵-۲۸۶: «مَنْ أَرَادَ أَنْ يَرَى رَسُولَ اللَّهِ فِي مَنَامِهِ ...» و در ادامه آمده: «... إِذَا أَرَدْتَ رُؤْيَا مَوْلَاكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ...»

۱۶. مهج الدعوات، ص ۸۱؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۸.

۱۷. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۸: قوله علیه السلام: «يُنَاجِي بِنَا» أَيْ: يُنَاجِي اللَّهَ تَعَالَى بِنَا وَ يَعَزُّمُ عَلَيْهِ وَ يَتَوَسَّلُ إِلَيْهِ بِنَا أَنْ يُرْتِنَا إِثَاءً وَ يَعْرِفَ مَوْضِعَهُ عِنْدَنَا؛ وَ قِيلَ: أَيْ يَهْتَمُّ بِرُؤْيِينَا وَ يُحَدِّثُ نَفْسَهُ بِنَا وَ رُؤْيِينَا وَ مَحَبَّتِنَا فَإِنَّهُ يَرَاهُمْ أَوْ يَسْأَلُنَا ذَلِكَ.

۱۸. الاختصاص، ص ۹۰.

هر کسی حاجتی نزد خدا دارد و می‌خواهد ما را ببیند و موقعیتش را در نزد خدا بداند، سه شب غسل کند و به‌وسیله ما با خدا مناجات نماید، [اگر چنین کند] ما را خواهد دید و به سبب ما گناهش آمرزیده می‌شود و مقام و موقعیتش بر او پنهان نخواهد ماند.

سه نکته مهم در روایت قابل تذکر است:

اول: «أَرَادَ أَنْ يَرَانَا»، مطلق است؛ پس، هم شامل معصوم حی می‌شود و هم معصوم وفات‌یافته.

دوم: «فَإِنَّهُ يَرَانَا» نیز مقید به «فِي مَنَامِهِ» نشده است؛ هرچند فضای روایت که غسل شبانه را مطرح کرده و نیز ادامه حدیث، گویای دیدن امام در خواب است، ولی احتمال دارد که شامل مکاشفه و بیداری نیز بشود.

سوم: در ادامه از حضرت سؤال شد:

... فَإِنَّ رَجُلًا رَأَى فِي مَنَامِهِ وَهُوَ يَشْرَبُ النَّبِيذَ؟ قَالَ: لَيْسَ النَّبِيذُ

يُفْسِدُ عَلَيْهِ دِينَهُ؛ إِنَّمَا يُفْسِدُ عَلَيْهِ تَرْكُنَا وَتَخَلُّفُهُ عَنَّا ... ۱۹.

شراب‌خوار، شما را در خواب می‌بیند؟ فرمود: شراب او را از دین خارج نمی‌کند؛ اما ترک کردن ما و فاصله‌گرفتن از ما دینش را از بین می‌برد.

بنا بر این، فیض دیدار معصوم علیه السلام، ویژه پاکان نیست؛ گنه‌کاران نیز ممکن است در شرایطی از این فیض بی‌بهره نمانند.

۳. روایات مبین راهکار دیدار یکی از وفات‌یافتگان در خواب

دیدن وضعیت درگذشتگان، همواره دغدغه بازماندگان بوده است. برخی از روایات، راهکاری را برای دیدن آنها مطرح کرده است.

یک: «سید ابن طاووس» به سندش روایت کرده که یکی از پیشوایان معصوم علیه السلام فرمودند:

إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَرَى مِيتَكَ عَلَى طَهْرٍ وَ انْضَجَّ عَلَى يَمِينِكَ وَ
سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ، ثُمَّ قُلْ: ... وَ أَنْ تُرِينَ مِيتِي فِي الْحَالِ الَّتِي هُوَ
فِيهَا. فَإِنَّكَ تَرَاهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.^{۲۰}

هرگاه خواستی یکی از درگذشتگان خود را در خواب ببینی، با وضو و بر
طرف راست بخواب تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام را بگو، بعد از آن بگو: ... میت
مرا در همان حالی که هست به من بنمایان! پس اگر خدا بخواهد او را خواهی
دید.

دو. «شیخ طوسی» نیز در کتاب «مصباح المتهجد» از امام کاظم علیه السلام راهکاری برای دیدن شخص
وفات یافته در خواب ثبت کرده است.^{۲۱}

هرچند در صدر حدیث نخست از تعبیر «میتک» استفاده کرده؛ ولی به گفته مرحوم علامه مجلسی
می توان از این دو روایت، برای مشاهده معصوم نیز استفاده کرد. در این صورت باید آخر دعا متناسب با
رؤیت هر کدام از پیامبران و یا پیشوایان معصوم، تغییر دهد.^{۲۲}
بنا بر این نه تنها ارتباط و دیدار معصومان علیهم السلام ممکن است؛ بلکه دیدار افراد عادی نیز در خواب
مقدور است.

۴. روایات مؤکد حقیقی بودن دیدار معصوم در خواب

پیام شماری از روایات، تأکید واقعی بودن دیدار معصوم علیهم السلام در خواب است؛ مانند:
یک نبی مکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

مَنْ رَأَى فِي الْمَنَامِ فَقْدَ رَأَى.^{۲۳}

هر که مرا در خواب ببیند، بی تردید مرا دیده است.

۲۰. فلاح السائل، ص ۲۸۶. روایت «ابوهاشم جعفری» از امام جواد علیه السلام نیز مناسب مقام است. (ن. ک: الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۶۶۵ -

۶۶۶: «فَرَأَى أَبَاهُ فِي النَّوْمِ...»)

۲۱. ج ۱، ص ۱۲۲-۱۲۳: «... وَ مَنْ أَرَادَ رُؤْيَا مِيتٍ فِي مَنَامِهِ فَلْيَقُلْ: ... وَ أَنْ تُرِينَ مِيتِي فِي الْحَالِ الَّتِي هُوَ فِيهَا».

۲۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۹: «مُقْتَضَى إِطْلَاقِ صَدْرِ الْخَبَرِ أَنْ يَكُونَ لِلدَّاعِي إِذَا عَمِلَ بِهِذِهِ النُّسَخَةِ أَنْ يُبَدَّلَ آخِرُ الدُّعَاءِ بِمَا يُنَاسِبُ
رُؤْيَا إِمَامِ الْحَيِّ وَ النَّبِيِّ الْحَيِّ، بَلِ الظَّاهِرُ أَنْ يَكُونَ لَهُ ذَلِكَ إِنْ أَرَادَ رُؤْيَا كُلِّ وَاحِدٍ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْأئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَيًّا كَانَتْ أَوْ مِيتًا».

۲۳. کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۸۳۳ ح ۳۷.

دو. در موثقه «ابن فضال»^{۲۴} از امام رضا علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده:

مَنْ رَأَى فِي مَنَامِهِ فَقَدْ رَأَى. ^{۲۵}

هر که مرا در خواب ببیند، حتماً خودم را دیده.

معتبرترین جوامع حدیثی عامه نیز این حقیقت را با سندها و عبارات متنوع از نبی مکرم صلی الله علیه و آله بازگو کرده‌اند؛ مانند: «مَنْ رَأَى فِي الْمَنَامِ فَسَيَرَانِي فِي الْيَقِظَةِ»،^{۲۶} «فَقَدْ رَأَى»^{۲۷} «فَقَدْ رَأَى الْحَقَّ»،^{۲۸} «فَأَيَّ رَأَى»،^{۲۹} «فَأَنَا الَّذِي رَأَى»،^{۳۰} «فَقَدْ رَأَى فِي الْيَقِظَةِ»^{۳۱} و «مَنْ رَأَى بَعْدَ مَوْتِي فَكَأَنَّمَا رَأَى فِي حَيَاتِي»^{۳۲}.

با وجود اجماع نسبی محدثان بزرگ شیعه و عامه در نقل این روایات، نمی‌توان دیدگاه مخالفان را پذیرفت.^{۳۳}

سه نکته درباره روایاتی که تعدادی از آنها ارایه شد،^{۳۴} شایسته ذکر است:

یکم: روایات این باب، افزون بر زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله شامل زمان‌های پس از آن هم می‌شود.

دوم: این روایات، دیدن معصومان علیهم السلام در بیداری و خواب را برای نسل‌هایی که ایشان را درک نکرده‌اند، ممکن جلوه می‌دهد. «علامة مجلسی» در کتاب «بحار الانوار» در سه صفحه، افزون بر ارایه

۲۴. در سند این روایت موثق، غیر از «محمد بن ابراهیم بن اسحاق»، بقیه راویان توثیق خاص دارند. اکثر روایت «شیخ صدوق» به همراه ترخم و ترضی در بیش از ۲۰۰ مورد علی‌المبنا حکایت‌گر وثاقت اوست. در کتاب «روضة المتقین، ج ۵، ص ۳۹۷ این روایت به «الموثق كالصحيح» توصیف شده است.

۲۵. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۸۴، ح ۳۱۹۱ (به صورت مرسل)؛ الامالی (شیخ صدوق)، ص ۶۴، ح ۱۰. همین پیام در کتاب جامع الاخبار (شعیری)، ص ۱۷۲ با این عبارت آغاز شده است: «فی کتاب التَّعبیر عن الأئمة ...».

۲۶. صحیح البخاری، ج ۹، ص ۳۳.

۲۷. صحیح البخاری، ج ۹، ص ۳۳؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۷۷۵، ح ۲۲۶۶ و ص ۱۷۷۶، ح ۲۲۶۸.

۲۸. صحیح البخاری، ج ۹، ص ۳۳، ح ۶۹۹۶ و ۶۹۹۷.

۲۹. مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۳۱۸، ح ۲۵۲۵.

۳۰. مسند احمد بن حنبل، ج ۷، ص ۳۳۱، ح ۴۳۰۴.

۳۱. مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۳۴۷، ح ۳۷۹۸.

۳۲. عمدة القاری، ج ۱۷، ص ۲۷۵.

۳۳. ن. کد امالی المرتضی، ج ۲، ص ۳۹۴.

۳۴. هم‌چنین روایت شده: «... وَ مَنْ قَرَأَهَا (الْكَوْثَرُ) لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ مِئَةَ مَرَّةٍ، رَأَى النَّبِيَّ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فِي مَنَامِهِ رَأَى الْعَيْنِ ...» (البرهان، ج ۵، ص ۷۷۱)

سخنان تعدادی از بزرگان و دیدگاه شخصی‌اش، چند راهکار ماثور برای رسیدن به فیض دیدار معصوم روایت کرده است.^{۳۵}

سوم: روایات موکد حقیقی بودن دیدار بعد از وفات معصومان، تأکیدکننده امکان ذاتی این حقیقت نیز هستند.

گام سوم: کیفیت شهود معصومان وفات یافته در حالت خواب

فرضیه‌هایی برای رسیدن به این حقیقت که دیدار وفات‌یافتگان چگونه است، مطرح شده که دو دیدگاه، سزاوار بررسی و تحلیل است.

۱. دیدگاه تعمیم

«محمد باقر مجلسی» این نظریه را مطرح کرده است. بر پایه این دیدگاه، هر کسی، معصومان را با هر کیفیتی در خواب ببیند، خود ایشان را در خواب دیده است و امکان اشتباه وجود ندارد. وی پشتوانه نظر خود را این حدیث قرار داده است:

مردی از اهل خراسان، پیامبر ﷺ را در خواب دید که گویا به او فرمودند:

كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا دُفِنَ فِي أَرْضِكُمْ بَضْعَتِي؟

چگونه‌اید هنگامی که در سرزمین شما پاره تن من به خاک سپرده شود؟

امام رضا علیه السلام پس از شنیدن این واقعه از زبان آن مرد خراسانی، فرمودند:

أَنَا الْمَدْفُونُ فِي أَرْضِكُمْ وَأَنَا بَضْعَةٌ مِنْ نَبِيِّكُمْ.

من همانم که [بنا بر پیش‌گویی پیامبر ﷺ] در سرزمین شما به خاک

سپرده می‌شوم و من پاره تن پیامبر شما هستم.

امام رضا علیه السلام در ادامه به منظور اثبات حقیقی بودن خواب این مرد، به او فرمودند:

۳۵. ج ۵۳، ص ۳۲۸ - ۳۳۱.

لَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنِ أَبِيهِ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: مَنْ رَأَى
 فِي مَنَامِهِ فَقَدْ رَأَى... إِنَّ الرُّؤْيَا الصَّادِقَةَ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءًا مِنَ
 النُّبُوَّةِ. ٣٦.

پدرم از جدّم از پدرش روایت کرده که رسول خدا ﷺ فرمودند: هر که مرا
 در خواب ببیند به تحقیق خودم را دیده است ... به درستی که خوابِ راست،
 یکی از هفتاد جزو نبوّت است.

«عَلَمَهُ مَجْلِسِي» با استناد به موثقه فوق معتقد است که ظاهر فرمایش امام رضا ﷺ «تعمیم»
 است. یعنی هر تصویری که از معصومان، در خواب دیده شود، پذیرفته است. به دو دلیل:

یکم: کسی که خواب نبی مکرم ﷺ را دید، هرگز ایشان را ندیده بود؛ اما در خواب
 متوجّه شد که ایشان، همان پیامبر ﷺ هستند.

دوم: امام رضا ﷺ از این شخص نپرسیدند که پیامبر ﷺ را با چه قیافه‌ای در خواب
 دیدی؟ این احتمال که امام ﷺ می‌دانستند او پیامبر ﷺ را با قیافه اصلی دیده، از سیاق به‌دور
 است. زیرا کسی که یکی از پیشوایان معصوم ﷺ را در خواب ببیند، یقین ندارد خود ایشان را
 دیده؛ ولی در عرف و لغت گفته می‌شود که آنها را در خواب دیده است. همچنین اگر يك
 شخص به چند صورت دیده شود، گویند او را به فلان صورت دید و این را تناقض نمی‌دانند. ٣٧
 البته جای چند پرسش از عَلَمَهُ مَجْلِسِي هست:

نخست اینکه آیا تشخیص صورت اصلی پیامبر ﷺ برای کسی که هرگز ایشان را ندیده است،
 امکان ذاتی و یا وقوعی دارد؟ همچنین آیا اینکه در عرف گفته شود: «خواب فلانی را دیده است.» برای
 حقیقی بودن این خواب، کافی است؟ آیا با این روش می‌توان محتوای خواب را حجت شمرد؟

٣٦. من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٥٨٤، ح ٣١٩١.

٣٧. بحار الانوار، ج ٥٨، ص ٢٣٥: «وَلَا يَخْفَى أَنَّ ظَاهِرَ حَدِيثِ الرَّضَا ﷺ، التَّعْمِيمُ...».

دوم اینکه منظور از تعمیم^{۳۸} چیست؟ آیا مراد این است که ممکن است در خواب، شخص پیامبر (ﷺ) دیده شود و یا غیر ایشان؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، چگونه مشاهده غیر شخص نبی، مشاهده خود نبی است؟ آیا در این صورت، دیدار حقیقی، معنا خواهد داشت؟

اگر گفته شود تنها پیام این روایات این است که این رؤیا شیطانی نیست و رحمانی است؛ باز هم پرسش باقی است؛ زیرا چه نیازی به استفاده از واژه‌های «رآنی» و «فَقَدَ رَأَى» بود؟ همچنین چرا به نفی دیدار حقیقی و یا صرف رحمانی بودن تصریح نشده است؟

آری، گفته شده: با توجه به محاورات رایج عرفی، نظیر اینکه «هر که بخواهد مرا ببیند، فلان شخص را ببیند» یا «هر که به فلان شخص لطف کند، به من لطف کرده است»، معنای حقیقی مراد نیست، بلکه حمل بر مجاز و مبالغه می‌شود؛ همچنین در این سخن که «هر که مرا در خواب ببیند، مرا دیده»، معنای حقیقی (دیدار واقعی) مراد نیست، بلکه تنها معنای مجازی (رحمانی بودن رؤیا) مراد است.^{۳۹} این مدعا اگرچه معقول است و طرفدار هم دارد^{۴۰}، ولی با ظاهر روایاتی که گذشت، سازگار نیست؛ مانند حدیث «أُم دَاوُود»^{۴۱} و روایت «حَنَانُ بْنُ سَدِيرٍ».

سوم اینکه با چه مستندی می‌توان گفت: ممکن است نبی مکرّم (ﷺ)، با چهره‌های گوناگونی دیده شود؟^{۴۲}

شاید بتوان این فرضیه را با دو بیان مستند کرد:

یک. «ابوهریره» به نبی مکرّم (ﷺ) نسبت داده که فرمودند:

۳۸. گویا این فرمایش علامه مجلسی از پدرش در شرح «الفقیه» اخذ شده که معتقد بود: «... تصدیقه صلی الله علیه وآله رؤیاه ... أَعْمُ مِنَ الصَّوْرَةِ الْوَاقِعَةِ لَهُمْ أَوْ مَا يَعْتَقِدُ فِي الرُّؤْيَا أَنَّهُ صَوْرَتُهُمْ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ رَأَاهُمْ وَ لَا كَانَ مُشَابِهًا لِصَوْرَتِهِمْ ...» (روضه المتقین، ج ۵، ص ۳۹۸)

۳۹. علامه مجلسی معتقد است: «وَ الظَّاهِرُ أَنَّهَا لَيْسَتْ رُؤْيَةً بِالْحَقِيقَةِ وَ إِنَّمَا هُوَ بِحُصُولِ الصَّوْرَةِ فِي الْجِسِّ الْمَشْتَرِكِ أَوْ غَيْرِهِ ...» (بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۲۳۷) این در حالی است که خود او اعتراف کرده: «إِنَّ لِلرُّوحِ فِي حَالَةِ النَّوْمِ حَرَكَةً إِلَى السَّمَاءِ ... وَ بَعْدَ حَرَكَتِهَا ... تَرَى أَشْيَاءَ فِي الْمَلَكُوتِ الْأَعْلَى ...» (مرآة العقول، ج ۲۵، ص ۲۱۴) «محدث نوری» با تمسک به این اعتراف، به معتقد «مجلسی» اعتراض کرده، می‌نویسد: «عجیب است که با این اعتراف، چرا احتمال نداده که دیده‌شده در خواب، روح مقدس نبی مکرّم صلی الله علیه و آله باشد؟ روح، پس از عروج، فرشتگان را ملاقات می‌کند اما روح نبی مکرّم صلی الله علیه و آله را نمی‌تواند ببیند؟» (دار السلام، ج ۴، ص ۲۷۹)

۴۰. مانند: النهایة، ج ۱، ص ۴۱۳: (من رآنی فقد ... ای رؤیا صادقة).

۴۱. فضائل الا شهر الثلاثة، ص ۳۲.

۴۲. ابوالحسن شعرانی معتقد است: «تَمَثَّلَ أَرْوَاحُ الْأَنْبِيَاءِ فِي صُورٍ مُخْتَلِفَةٍ غَيْرِ مُسْتَبَعِدٍ لَكِنْ لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ صُورَةً مُنَاسِبَةً بِحَيْثُ إِذَا أَلْهِمَ الرَّائِي أَنَّهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ أَى تَمَثَّلَ رُوحُهُ فِي هَذِهِ الصَّوْرَةِ لَا يَسْتَبِيحُهُ» (شرح الكافي مازندرانی، ج ۷، ص ۳۷۷)

به تحقیق من به هر صورتی دیده می‌شوم.^{۴۳}

اگرچه بعضی از عامه، به این متن ملتزم شده‌اند؛^{۴۴} اما، برخی از اندیشمندان آنها پس از نقل این روایت، اعتراف کرده‌اند:

وَ فِي سَنَدِهِ صَالِحٌ مَوْلَى التَّوَّامَةِ وَ هُوَ ضَعِيفٌ لِاخْتِلاطِهِ وَ هُوَ مِنْ رِوَايَةِ
مَنْ سَمِعَ مِنْهُ بَعْدَ الْإِخْتِلاطِ.^{۴۵}

دو. برخی معتقدند آنچه باعث تشخص انسان می‌شود، وحدت نفس است که همیشه باقی و ثابت می‌ماند؛ اگر چه اعضا و جوارح انسان از کودکی تا جوانی و پیری، متبدل شود. حال، اگرچه پیامبر ﷺ یکی بیش نیست و پیکر مادی‌شان در مدینه، درون قبر، بی‌حرکت است، ولی هر که او را ببیند، شخص او و ذات او را دیده است؛ هر چند در یک شب و در یک شهر، هزار زن و مرد او را ببینند. زیرا حقیقت پیامبر، بدن مادی و خاکی‌شان نیست، بلکه نفس ایشان است که می‌تواند در هر بدنی با هر ماده‌ای (بزرگ یا کوچک) و به هر شکلی و در هر حالتی درآید.^{۴۶}

در پاسخ به این دیدگاه، افزون بر تأمل در اعتقاد به «عدم تغییر نفس و ثابت بودنش» و یا «بی‌حرکت بودن پیکر مادی پیامبر ﷺ در مدینه و در درون قبر، مبنایی که به صورت چکیده ارایه شد، تمام به نظر نمی‌رسد. شاید با تعدد بدن‌های مثالی، تکثر و تعدد صور معنادار شود، اما این سؤال همچنان باقی است که چگونه با نفس واحد، تکثر، معنا خواهد داشت؟ چه طور یک نفس در آن واحد، در هزار بدن و مرکب می‌تواند قرار بگیرد؟

نتیجه اینکه توجیه دوم «تعمیم»، اگر چه امکان ثبوتی دارد، ولی مستند غیر قابل خدشه‌ای برای آن ارایه نشده است.

۲. دیدگاه سنخیت دیدار در خواب با بیداری

حقیقت روح و کیفیت ارتباط آن با بدن، هنگام خواب، از اسرار آفرینش است و علم به آن نزد خداوند متعال و آگاهان برگزیده اوست؛^{۴۷} اما با توجه به شماری از روایات معتبر، می‌توان هم‌سنخ بودن دیدار در خواب با بیداری را تقویت کرد.

۴۳. مَنْ رَأَى فِي الْمَنَامِ فَقَدْ رَأَى فَاِنَّى أرى فِي كُلِّ صُورَةٍ.

۴۴. ن. کد بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۲۳۵.

۴۵. مانند: فتح الباری، ج ۱۲، ص ۳۳۸؛ عمده القاری، ج ۲۴، ص ۱۴۰.

۴۶. ن. کد المبدأ و المعاد، ص ۳۸۵: «لأنَّ حَقِيقَتَهُ الْمُقَدَّسَةَ لَيْسَتْ إِلَّا نَفْسُهُ الشَّرِيفَةَ.»

۴۷. بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۶۵: «لأنَّ تَحْقِيقَ أَمْرِ الرُّوحِ عَسِيرٌ وَ لَا يَلْمُ حَقِيقَةَ ذَلِكَ إِلَّا مَنْ خَلَقَهُ.»

روح انسان منهای جسم خاکی - البته بنا بر ظاهر برخی از روایات معتبر، در شکل و قیافه جسم خاکی^{۴۸} - توانایی‌هایی دارد؛ از جمله «خوردن و آشامیدن»، «حلقه‌وار نشستن و گفت‌وگو کردن»^{۴۹} «سیر بین آسمان و زمین» و «دیدن» (نظاره کردن)^{۵۰}. روح، این قابلیت را دارد که تا ملکوت آسمان هم سیر کند.^{۵۱}

هنگام خواب، روح انسان به طرف آسمان بالا می‌رود.^{۵۲} البته روح به طور کامل از بدن خارج نمی‌شود،^{۵۳} بلکه اصل آن به هنگام خواب، همانند اصل خورشید، در بدن باقی می‌ماند^{۵۴} و آنچه تا ملکوت سیر می‌کند، همانند پرتو خورشید است.^{۵۵}

۴۸. الکافی، ج ۳، ص ۲۴۵، ح ۱: «فِي قَالِبِ كَقَالِهِ فِي الدُّنْيَا».

۴۹. الکافی، ج ۳، ص ۲۴۶-۲۴۷: «تَأْكُلُ مِنْهَا وَتَسْتَعْمُ فِيهَا وَتَتَلَقَى وَتَتَعَارَفُ فَإِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ هَاجَتْ مِنَ الْجَنَّةِ فَكَانَتْ فِي الْهَوَاءِ فِيمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ تَطِيرُ ذَاهِيَةً وَ جَائِيَةً ...» (صحیحہ ضریس کناسی) و ص ۲۴۵، ح ۱: «فَيَأْكُلُونَ وَ يَشْرَبُونَ» و ص ۲۴۳، ح ۱: «لَوْ كُنَيْفَ لَكَ لِرَأْيَتِهِمْ حَلَقًا حَلَقًا مُحْتَبِينَ يَتَحَادَّثُونَ»؛ المحتضر، ص ۱۹: «لَوْ كُنَيْفَ لَكُمْ لِرَأْيَتِهِمْ (لَأَلْفَيْتُمْ) أَرْوَاحَ الْمُؤْمِنِينَ ... حَلَقًا حَلَقًا يَتَنَازَرُونَ وَ يَتَحَدَّثُونَ ...».

۵۰. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۹۳، ح ۵۹۳: «إِذَا فُيْضَتِ الرُّوحُ فَمَهِيَ مُظْلَمَةٌ فَوْقَ الْجَسَدِ ... يَنْظُرُ إِلَى كُلِّ شَيْءٍ ...».

۵۱. الامالی (صدوق)، ص ۱۴۵.

۵۲. امام صادق علیه السلام: «... إِذَا نَامَ خَرَجَتْ مِنْ رُوحِهِ حَرَكَةٌ مَمْدُودَةٌ صَاعِدَةٌ إِلَى السَّمَاءِ ...» (الامالی للصدوق، ص ۱۴۵). این حقیقت در روایات متعدّد دیگر با اسناد مختلف تکرار شده است؛ مانند: کتاب سلیم، ح ۱۷: «مَا مِنْ عَبْدٍ يَنَامُ إِلَّا عُرِجَ بِرُوحِهِ»؛ الکافی، ج ۸، ص ۲۱۲، ح ۲۵۹: «وَ اللَّهُ مَا مِنْ عَبْدٍ مِنْ شَيْعَتِنَا يَنَامُ إِلَّا أَصْعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ رُوحَهُ إِلَى السَّمَاءِ».

۵۳. امام صادق علیه السلام: «... لَوْ خَرَجَتْ كُلُّهَا حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْهَا شَيْءٌ إِذَا لَمَاتَ.» (الامالی للصدوق، ص ۱۴۵)

۵۴. روایت شده که انسان دارای «نفس»، «جسد» و «روح» است. روح، هیچ‌گاه از بدن خارج نمی‌شود مگر به هنگام مرگ. دیدن رؤیا نیز کار نفس است. (ن. که الاختصاص، ص ۱۴۳: «حَلَقَهُ نَفْسٍ ...»). روایت «عباشی» از امام باقر علیه السلام و سخن «ابن عباس» نیز مؤید و مؤکّد همین مطلب است. (مجمع‌البیان، ج ۸، ص ۷۸۱: «مَا مِنْ أَحَدٍ يَنَامُ إِلَّا عَرَجَتْ نَفْسُهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ تَقِيَتْ رُوحَهُ فِي بَدَنِهِ وَ صَارَ بَيْنَهُمَا سَبَبٌ كَشَعَاعِ الشَّمْسِ فَإِذَا أَدْنَى اللَّهُ فِي قَبْضِ الْأَرْوَاحِ أَجَابَتْ الرُّوحُ النَّفْسَ وَ إِنْ أَدْنَى اللَّهُ فِي رَدِّ الرُّوحِ أَجَابَتْ النَّفْسُ الرُّوحَ وَ هُوَ قَوْلُهُ سُبْحَانَهُ: اللَّهُ يَتَوَقَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَ الَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَمَهْمَا رَأَتْ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ فَهَوَّ مِمَّا لَهُ تَأْوِيلٌ وَ مَا رَأَتْ فِيمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ فَهَوَّ مِمَّا يَخْتَلُهُ الشَّيْطَانُ وَ لَا تَأْوِيلَ لَهُ.») روایت دیگر، آنچه از بدن خارج می‌شود را «أرواح العقول» و آنچه باقی می‌ماند را «أرواح الحیاة» معرفی کرده است. (جامع الاخبار، ص ۱۷۱) برخی از بزرگان، آیه «۴۲» از سوره «الزمر» را صریح در خارج شدن «نفس» از بدن به هنگام خواب می‌دانند. (الدرر النجفیة، ج ۲، ص ۲۶۲: «وَ هِيَ كَمَا تَرَى صَرِيحَةً فِي خُرُوجِ النَّفْسِ مِنَ الْبَدَنِ حَالِ النَّوْمِ كَخُرُوجِهَا حَالِ الْمَوْتِ ...»؛ دار السلام، ج ۴، ص ۲۴۳). البته بنا بر روایتی از امام صادق علیه السلام، «نفس»، سلطان «روح» بوده، در بدن باقی می‌ماند و آنچه خارج می‌شود «روح» است. (مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۳۵۷: «... إِنْ اللَّهُ تَعَالَى خَلَقَ الرُّوحَ وَ جَعَلَ لَهَا سُلْطَانًا فَسُلْطَانُهَا النَّفْسُ فَإِذَا نَامَ الْعَبْدُ خَرَجَ الرُّوحُ وَ بَقِيَ سُلْطَانُهُ فَيَمُرُّ بِهِ جِبِلٌّ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ جِبِلٌّ مِنَ الْجِنِّ فَمَهْمَا كَانَ مِنَ الرُّؤْيَا الصَّادِقَةِ فَمِنْ الْمَلَائِكَةِ وَ مَهْمَا كَانَ مِنَ الرُّؤْيَا الْكَاذِبَةِ فَمِنْ الْجِنِّ.»)

۵۵. امام صادق علیه السلام: «أَمَا تَرَى الشَّمْسَ فِي السَّمَاءِ ...» (الامالی للصدوق، ص ۱۴۵) همین پیام در مرسله «ابی بصیر» نیز گزارش شده است. (جامع الاخبار، ص ۱۷۱) البته در روایت امام کاظم علیه السلام تحلیل دیگری ارائه شده: «... فَإِنَّ رُوحَ الْخِيَوَانِ بَاقِيَةٌ فِي الْبَدَنِ وَ الَّتِي يَخْرُجُ مِنْهُ رُوحُ الْعَقْلِ ...» (جامع الاخبار، ص ۱۷۱)

آنچه روح در آسمان‌ها و ملکوت می‌بیند «حق» است^{۵۶} و هرچه بین زمین و آسمان می‌بیند از «تصرفات شیطان» و «أضغاث»^{۵۷} است.

به نظر می‌رسد که می‌توان فرضیه‌هایی اینچنین، در حقیقت رؤیا مطرح کرد:

یک. گاهی «دیده‌شده» وجود خارجی ذاتی دارد؛ حتی اگر بیننده رؤیا بیدار شود و یا بمیرد، «دیده‌شده» همچنان هست. مانند: «دیده شدن فرشته در خواب به هنگام ابلاغ وحی»^{۵۸}؛ همچنین «بشیر دهان» به امام صادق علیه السلام عرض کرد: من در خواب دیدم:

... أَنَّى قُلْتُ لَكَ: ... فَقُلْتُ لِي: ...

از شما پرسیدم ... شما هم پاسخم را دادید ...

امام صادق علیه السلام پس از شنیدن ماجرا فرمودند:

هُوَ كَذَلِكَ.^{۵۹}

این روایت نشان می‌دهد که بیننده رؤیا شخص حضرت - که در عالم خارج، وجود ذاتی دارد - را دیده است.

گروه دیگری از نمونه‌های مؤید این فرضیه، ملاقات روح انسان به هنگام خواب با ارواح اموات است.^{۶۰} حقیقی بودن این رؤیاها به این معناست که حقیقتاً روح، چیزی و یا کسی را دیده است و در صورت بیدار شدن، دیده‌شونده همچنان وجود خارجی دارد.

دو. ممکن است گاهی «دیده‌شده»، «مثال» برخی از حقایق باشد. ممکن است این مثال‌ها تنها برای بیننده رؤیا وجود خارجی یافته و وجودش آنی بوده و عمرش محدود به مدّت رؤیا باشد. در این رؤیاها «مثال» برخی از حقایق آشکارا دیده می‌شود. ممکن است خوابِ نبی مکرم صلی الله علیه و آله که بنی‌امیه را در حال نشستن بر منبرشان دیدند^{۶۱} و رؤیای حضرت یوسف علیه السلام^{۶۲} از همین قسم باشد. همچنین شاید

۵۶. ن. ک: مجمع البیان، ج ۸، ص ۷۸۱: «... فَهَوَّ مِمَّا لَهُ تَأْوِيلٌ...» این پیام در روایات دیگر نیز تکرار شده است. (ن. ک: الامالی للصدوق، ص ۱۴۵)

۵۷. ن. ک: الکافی، ج ۸، ص ۹۰، ح ۶۱: «أَلْرُّوْيَا عَلٰی ثَلَاثَةِ وُجُوْهٍ ...»

۵۸. ن. ک: الکافی، ج ۱، ص ۱۷۵: «... وَ نَبِيٌّ يَّرِي فِي مَنَامِهِ ...»

۵۹. الکافی، ج ۵، ص ۲۷، ح ۲ و ص ۲۳، ح ۳؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۳۴، ح ۲۲۶. روایت «ابوبکر بن عیاش» نیز پیامی شبیه روایت مذکور دارد. (الدعوات، ص ۲۴۰: «رَأَيْتُكَ فِي النَّوْمِ ...»)

۶۰. ن. ک: مصباح‌المتجهّد، ج ۱، ص ۱۲۱: «... مَنْ أَرَادَ رُؤْيَا مَيِّتٍ فِي مَنَامِهِ ...»

۶۱. ن. ک: الکافی، ج ۴، ص ۱۵۹، ح ۱۰.

۶۲. آیه چهارم از سوره «یوسف»، بیان‌گر رؤیای ایشان و آیه صدم نیز حکایت‌گر تأویل آن است.

روایای هم‌زندانی حضرت یوسف علیه السلام^{۶۳} نیز از همین قسم باشد و حتی روایهای «قابل تأویل» از این قسم باشد.

سه. ممکن است گاهی «دیده‌شده» همانند سرابی باشد که آب پنداشته می‌شود؛ مانند: «روایای شیطانی» و «أضغاث»^{۶۴}. این روایاها ممکن است از حیث ماهیت، همانند واقعه «بدر» و کار ساحران باشد. پیش از شروع جنگ بدر - به معجزه الهی - هر دو گروه، نفرات مقابل را بسیار کمتر از تعداد حقیقی می‌دیدند؛^{۶۵} اما گرماگرم جنگ، یکی از دو طرف جنگ^{۶۶} و یا هر دو گروه، نفرات مقابل را همانند نفرات خود می‌دیدند؛ آن هم آشکارا؛^{۶۷} حال آن که این مشاهده آشکارا، خلاف واقع بوده است.^{۶۸} ساحران فرعون نیز چشم حاضران را سحر کردند^{۶۹} به گونه‌ای که با چشم سر، حرکت کردن طناب‌ها و عصاها را می‌دیدند؛ حال آن که در واقع چنین نبود.^{۷۰}

بنابراین مشاهده را در هیچ‌یک از اقسام روایاها نمی‌توان نفی کرد. دیدار یا در آسمان‌ها و ملکوت است (روایای حق) و یا بین زمین و آسمان (تصرفات شیطان و أضغاث). البته دیدن در بیداری، با چشم سر و ارتباط آن با مغز و اعصاب انسان امکان‌پذیر است و در خواب، ممکن است مشاهده‌گر بودن روح به روش دیگری باشد. البته «شیخ مفید» معتقد است: «دیدار در بیداری با چشم سر میسر است و این در خواب منتفی است».^{۷۱}

حاصل آن که مشاهده معصومان از جمله نبی مکرم صلی الله علیه و آله در خواب، عبارت است از مشاهده شخص ایشان توسط «روح» بیننده. مؤید این تحقیق، روایت «سلیم» است. امیر مؤمنان علیه السلام ضمن خبردادن از گفت‌وگوی «عبدالله»، فرزند خلیفه دوم با پدرش، به هنگام مرگ، فرمودند:

ثروثگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۶۳. یوسف، ۳۶: «تَبَيَّنَا بِتَأْوِيلِهِ.»

۶۴. ن. که مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۳۵۷.

۶۵. الانفال، ۴۴: «يَقْلَلُكُمْ فِي آعْيُنِهِمْ.»

۶۶. ممکن است خداوند به منظور تقویت فکری رزمندگان اسلام در جنگ بدر، کافران را که سه برابر مسلمانان بوده‌اند، در چشم یاران پیامبر دو برابر (کمتر از تعداد واقعی) مسلمانان جلوه داده باشد. هم‌چنین ممکن است خداوند به منظور تضعیف فکری کافران، رزمندگان اسلام را که ثلث مشرکان بوده‌اند، در چشم آنها دو برابر مشرکان (۶ برابر تعداد واقعی) جلوه داده باشد.

۶۷. آل عمران، ۱۳: «يُرَوِّنُهُمْ مِثْلِهِمْ رَأَى الْعَيْنِ.»

۶۸. مشهور آن است که در جنگ بدر، مسلمانان ۳۱۳ نفر بوده‌اند. تعداد مشرکان نیز بین ۹۵۰ تا هزار نفر گزارش شده است.

۶۹. الاعراف، ۱۱۶: «سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ.»

۷۰. طه، ۶۶: «يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهُ تَسْعَى.»

۷۱. ن. که کنز الفوائد، ج ۲، ص ۶۵: «... وَ أَيْ بَصَرَ يُدْرِكُ بِهِ حَالَ نَوْمِهِ ...»

رسول الله در زمان حیاتش از گفت‌وگویی بین تو و پدرت به من خبر داد ... شبِ مرگِ پدرت نیز همان خبر را در خواب بازگو کرد و کسی که پیامبر را در خواب ببیند در حقیقت در بیداری او را دیده است.^{۷۲}

بنا بر این روایت، دیدار نبی مکرم ﷺ در خواب، عین دیدار او در بیداری دانسته شده است. بنا بر آنچه ذکر شد، نفی بیننده حقیقی و دیده‌شونده حقیقی در خواب پذیرفتنی نیست.^{۷۳} حقیقت مذکور درباره معصومان علیهم‌السلام منصوص است؛ زیرا، مشاهدات آنان در خواب و بیداری مساوی است. مؤلفان «قرب الاسناد» و «کشف الغمّة» به سندشان از «حسن بن علی و شاء» روایت کرده‌اند که امام رضا علیه‌السلام به او فرمودند:

إِنَّ أَبِي كَانَ عِنْدِي الْبَارِحَةَ ... إِنَّ جَعْفَرًا كَانَ يَجِيءُ إِلَى أَبِي،
فَيَقُولُ: يَا بُنَيَّ أَفْعَلْ كَذَا، يَا بُنَيَّ أَفْعَلْ كَذَا ... يَا حَسَنُ، إِنَّ مَنَامَنَا وَ
يَقَظَتْنَا وَاحِدَةٌ.^{۷۴}

پدرم دیشب پیش من بود. ... [امام] صادق علیه‌السلام [نیز] همیشه [پس از شهادتش] پیش پدرم امام کاظم علیه‌السلام می‌آمد و می‌فرمود: پسر من فلان کار را انجام بده ... حسن! خواب و بیداری ما یکی است.

با توجه به توانایی روح، برای نظاره کردن و ارتباط با ارواح و موجودات دیگر هنگام خواب و امکان وقوع خارجی مشاهده نبی مکرم ﷺ و معصومان دیگر به صورت آشکار و ارتباط با ایشان پس از رحلت، باید گفت: مراد از «مَنْ رَأَى فِي مَنَامِهِ فَقَدْ رَأَى.»^{۷۵} مشاهده آشکار شخص معصومان علیهم‌السلام در خواب، توسط روح است. البته مشاهده شخص معصومان، می‌تواند مشاهده هر کدام از «بدن اصلی»، «روح» و یا «خلقت نوری» ایشان باشد. گفتنی است که مراد از خلقت نوری نیز بنا بر برخی از روایات، ممکن است همان «روح بدون بدن» باشد که از نور عظمت الهی (مخلوقی از مخلوقات خدا) آفریده شده است. پذیرش شهود «ارواح» و یا «خلقت نوری»، راه را برای شبهه «قرطبی» مسدود می‌کند.^{۷۶} والله يعلم.

۷۲. کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۶۵۲.

۷۳. ن. ک: امالی المرتضی، ج ۲، ص ۳۹۵: «مَنْ اعْتَقَدَ أَنَّهُ يَرَانِي فِي مَنَامِهِ وَإِنْ كَانَ غَيْرَ رَأَى لِي عَلَى الْحَقِيقَةِ فَهُوَ فِي الْحُكْمِ كَأَنَّهُ قَدْ رَأَى.» یعنی کسی که اعتقاد دارد مرا در خواب دیده اگرچه در حقیقت مرا ندیده، در حکم، مانند آن است که مرا دیده.

۷۴. قرب الاسناد، ص ۳۴۸، ش ۱۲۵۸؛ کشف الغمّة، ج ۲، ص ۳۰۳.

۷۵. هر که مرا در خواب ببیند حتماً خودم را دیده است. (من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۸۴، ح ۳۱۹۱؛ الامالی للصدوق، ص ۶۴، ح ۱۰)

۷۶. ن. ک: فتح الباری، ج ۱۲، ص ۳۳۹؛ فیض القدير، ج ۶، ص ۱۷۰؛ وی با تمسخر به کسانی که معتقدند کیفیت دیدار نبی مکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در خواب و بیداری یکی است یعنی شخص ایشان دیده می‌شود، حمله کرده و آن را ملازم با تالی فاسدهایی می‌داند؛

نتیجه

مهم‌ترین نتایج این پژوهش به شرح زیر است:

۱. روایات متعدّد حکایت‌گر وقوع مشاهده معصومان وفات‌یافته، در حالت خواب است. دو نمونه از روایات گزارش‌شده در این مقاله، صحیحه و مؤثقه هستند؛ مانند گفت و شنود امام رضا علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله تأیید شهود پیامبر صلی الله علیه و آله در خواب، توسط امام رضا علیه السلام. شایان ذکر است، منابع مجموع این روایات، معتبر و مؤلفانشان نیز از نخبگان و بلندآوازان شیعه به شمار می‌آیند.
 ۲. برخی از روایات، راهکار دیدار نبی مکرم صلی الله علیه و آله و یا معصومان دیگر علیهم السلام را بیان می‌کند. واضح است اگر شهود، ممکن و میسر نباشد، صدور این روایات لغو خواهد بود.
 ۳. تعدادی از روایات در ارتباط با راهکار دیدار یکی از اموات است. این روایات، عام بوده و شامل دیدار معصومان علیهم السلام نیز می‌شود.
 ۴. محدثان نام‌آور فریقین در جوامع اولیه حدیثی، گزارش‌گر روایاتی هستند که تأکید بر حقیقی بودن شهود نبی مکرم صلی الله علیه و آله در حالت خواب دارد. این روایات نیز به صراحت پرده از امکان وقوعی دیدار در خواب برمی‌دارد.
 ۵. مشاهده معصومان علیهم السلام در حالت خواب عبارت است از مشاهده شخص ایشان. ادعای نفی بیننده حقیقی و دیده‌شونده حقیقی در خواب، با فرمایش امیر مؤمنان علیه السلام سازگار نیست که فرمودند: «کسی که پیامبر را در خواب ببیند مانند این است که در بیداری او را دیده است.» پس، دیدار نبی مکرم صلی الله علیه و آله در خواب، عین دیدار ایشان در بیداری است. فرق مشاهده در بیداری با مشاهده در حالت خواب آن است که اوّلی با چشم سر و دومی توسط روح است؛ و گرنه در هر دو حالت، مشاهده، آشکار است.
- آری، چگونگی احراز اینکه دیده‌شده، شخص معصوم است، مطلبی دیگر است.

از جمله اینکه دو نفر، در دو مکان، در آن واحد نتوانند پیامبر صلی الله علیه و آله را ببینند. دیگر آنکه ایشان زنده بوده، از قبر خارج شوند، قبر ایشان خالی از بدن شود و قبر خالی از بدن، زیارت‌گاه باشد در حالی که ایشان در بازار قدم زده، با مردم گفت‌وگو کنند و ...

پیشنهادهای پژوهشی

۱. بررسی راهکار تشخیص حقیقی بودن شهود معصومان وفات یافته با فقدان پیشینه دیدار
۲. تحلیل کیفیت آشکارشدن معصومان وفات یافته برای شهودکنندگان

کتابنامه

۱. القرآن الکریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، دار القرآن الکریم، اول، ۱۴۱۵ق.
۲. اثبات الوصیة للامام علی بن ابی طالب علیه السلام، علی بن حسین مسعودی، قم، انصاریان، سوم، ۱۳۸۴ش.
۳. الاختصاص، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، تحقیق علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، اول، ۱۴۱۳ق.
۴. اعلام الوری باعلام الهدی، فضل بن حسن طبرسی، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، اول، ۱۴۱۷ق.
۵. امالی المرتضی (غرر الفوائد و درر القلائد)، سید مرتضی علم الهدی، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، دار الفکر العربی، اول، ۱۹۹۸م.
۶. الامالی للصدوق، محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، تهران، کتابچی، ششم، ۱۳۷۶ش.
۷. الامالی، محمد بن حسن (شیخ طوسی)، قم، دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
۸. الامالی، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، تحقیق حسین استادولی و علی اکبر غفاری، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، اول، ۱۴۱۳ق.
۹. بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، محمد باقر مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق.
۱۰. البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، تهران، بنیاد بعثت، اول، ۱۴۱۶ق.
۱۱. تهذیب اللغة، محمد ازهری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، اول، ۱۴۲۱ق.
۱۲. جامع الاخبار، محمد شعیری، نجف، مطبعة الحیدریة، اول.
۱۳. الخرائج و الجرائح، سعید بن هبة الله قطب الدین راوندی، مؤسسه امام مهدی علیه السلام، اول، ۱۴۰۹ق.
۱۴. دارالسلام فیما یتعلق بالرؤیا و المنام، میرزا حسین نوری طبرسی، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، قم، المطبعة العلمية.
۱۵. الدرر النجفیة من الملتقطات الیوسفیة، یوسف بن احمد بحرانی (صاحب الحدائق)، بیروت، شركة دار المصطفی لاحیاء التراث، اول، ۱۴۲۳ق.
۱۶. الدعوات (سلوة الحزین)، سعید بن هبة الله قطب الدین راوندی، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام، اول، ۱۴۰۷ق.
۱۷. دلائل الامامة، محمد بن جریر بن رستم طبری املی، قم، بعثت، اول، ۱۴۱۳ق.
۱۸. روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، محمد تقی بن مقصود علی مجلسی، قم، کوشانپور، دوم، ۱۴۰۶ق.
۱۹. شرح الکافی، ملا محمد صالح مازندرانی، تحقیق ابوالحسن شعرانی، تهران، المكتبة الاسلامیة، اول، ۱۳۸۲ق.
۲۰. صحیح البخاری، محمد بخاری جعفی، تحقیق محمد زهیر و مصطفی دیب البغا، دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ق.
۲۱. صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، تحقیق محمد فواد عبدالباقی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۲۲. الصراط المستقيم الى مستحقّي التقديم، على عاملى نباطى، تحقيق ميخائيل رمضان، نجف، المكتبة الحيدرية، اول، ۱۳۸۴ق.
۲۳. عمدة القارى فى شرح صحيح البخارى، محمود عينى، بيروت، دار احياء التراث العربى.
۲۴. عيون اخبار الرضا عليه السلام، محمد بن على ابن بابويه (شيخ صدوق)، تحقيق مهدي لاجوردى، تهران، نشر جهان، اول، ۱۳۷۸ق.
۲۵. الغيبة (كتاب الغيبة للحجة)، محمد بن حسن (شيخ طوسى)، تحقيق عبداللّه تهرانى و على احمد ناصح، قم، دار المعارف الاسلامية، اول، ۱۴۱۱ق.
۲۶. فتح البارى فى شرح صحيح البخارى، ابن حجر عسقلانى، بيروت، دار المعرفة، دوم.
۲۷. فتح القدير، محمد شوكانى، بيروت، دار ابن كثير و دار الكلم الطيب، اول، ۱۴۱۴ق.
۲۸. فضائل الاشهر الثلاثة، محمد بن على ابن بابويه (شيخ صدوق)، تحقيق غلامرضا عرفانيان يزدى، قم، داورى، اول، ۱۳۹۶ق.
۲۹. فلاح السائل و نجاح المسائل، سيد على ابن طاووس، قم، بوستان كتاب، اول، ۱۴۰۶ق.
۳۰. قرب الاسناد، عبدالله بن جعفر حميرى، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، اول، ۱۴۱۳ق.
۳۱. الكافى، محمد بن يعقوب كلينى، تحقيق على اكبر غفارى و محمد آخوندى، تهران، دار الكتب الاسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۳۲. كتاب سليم بن قيس، سليم بن قيس هلالى، تحقيق محمد انصارى زنجانى، قم، نشر الهادى، اول، ۱۴۰۵ق.
۳۳. كشف الغمّة فى معرفة الأئمة عليهم السلام، تحقيق سيد هاشم رسولى محلّاتى، تبريز، بنى هاشمى، اول، ۱۳۸۱ق.
۳۴. كنز الفوائد، محمد بن على كراچكى، قم، دارالذخائر، اول، ۱۴۱۰ق.
۳۵. المبدأ و المعاد، ملّا صدرا، تهران، انجمن حكمت و فلسفه ايران، ۱۳۵۴ش.
۳۶. مجمع البيان فى تفسير القرآن، فضل بن حسن طبرسى، تهران، ناصر خسرو، سوم، ۱۳۷۲ق.
۳۷. المحتضر فى تحقيق معاينة المحتضر للنبي و الأئمة عليهم السلام، حسن بن سليمان حلّى، تحقيق سيد على اشرف، المكتبة الحيدرية، ۱۳۸۲ش.
۳۸. مرآة العقول فى شرح اخبار آل الرسول عليه السلام، محمد باقر مجلسى، تحقيق سيد هاشم رسولى محلّاتى، تهران، دار الكتب الاسلامية، دوم، ۱۴۰۴ق.
۳۹. مسند احمد بن حنبل، احمد بن حنبل، تحقيق شعيب الارنؤوط و ديكران، مؤسسة الرسالة، دوم، ۱۴۲۰ق.
۴۰. مصباح المتبهد و سلاح المتبهد، محمد بن حسن (شيخ طوسى)، بيروت، مؤسسه فقه الشيعة، اول، ۱۴۱۱ق.
۴۱. من لا يحضره الفقيه، محمد بن على ابن بابويه (شيخ صدوق)، تحقيق على اكبر غفارى، قم، دفتر انتشارات اسلامى، دوم، ۱۴۱۳ق.
۴۲. مناقب آل ابى طالب، محمد بن على ابن شهر آشوب مازندراني، قم، نشر علامه، اول، ۱۳۷۹ق.
۴۳. مهج الدعوات و منهج العبادات، سيد على ابن طاووس، تحقيق ابوطالب كرماني و محمد حسن محرز، قم، دار الذخائر، اول، ۱۴۱۱ق.
۴۴. النهاية فى غريب الحديث و الاثر، مبارك ابن اثير جزرى، تحقيق محمود محمد طناحى و طاهر احمد زاوى، قم، اسماعيليان، چهارم، ۱۳۶۷ش.